

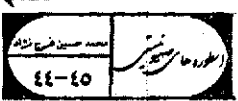
خاندان یهودی لوی (لاوی)، پایه گذاران و مروجین شیطان پرستی

شیطان پرستی (ساتانیسم / Satanism) یکی از این تخریفات است که در دو دهه اخیر، حاکم بر بسیاری از آثار هالیوود بوده است و یهود دنیاپرست هم با پشتیبانی مادی و فکری سعی در ترویج این خرافه عصر پسا صنعت داشته است. کمپانی‌های یهودی و صهیونیست، امروز هم سردمدار جریان انحرافی معنویت گرا در هالیوود شده‌اند و مناسک گرایبی را بعضاً به پرستش نیروی متافیزیکی شروری فرو کاهیده‌اند. به دلیل تازگی این مکتب مجعول، خصوصاً در جامعه ما و دیگر کشورهای اسلامی، لازم است که تبیین دقیق‌تری درباره این اسطوره صهیونیستی داشته باشیم.

همان‌طور که گفته شد در میان اقوام باستانی و ادیان تحریف شده، بزرگ نمایی قدرت شیطان وجود داشته است؛ ولی آن‌چه به نام شیطان پرستی امروزه عده‌ای غافل و فریب خورده را به دور خود جمع کرده است، دست پخت یکی از خاندان‌های سابقه دار یهودی می‌باشد. **خانسلان لاوی** (لوی) که برخی از آن‌ها با همین نام خانوادگی و برخی با شهرت کوهن یا کاهن و اسامی شبیه به این‌ها، از قرن سیزدهم میلادی تاکنون، هشت سده است که تاریخ مدون و انسجام خانوادگی کم نظیری دارند. **تومردوس لپولانی** رئیس و **خاخام کاستیل ویون** (اسپانیای قرن ۱۳ م.) بود که یهودیان وی را از نوادگان خاندان سلطنتی یهود می‌دانستند. این خاندان نقش بسیار مهمی در تجهیز سپاهیان صلیبی علیه مسلمانان در شمال **انلس** داشتند و از همان سده سیزدهم با فرقه **شهبازان** **مید** رابطه نزدیکی داشتند. این فرقه غارتگرانی بودند که حاصل پیوند شوم **شهبازان** (شوالیه‌های) مسیحی و زرسالاران یهودی بودند و عملیات خویش را در هاله‌ای از سیر

۱. در سده سیزدهم میلادی مهم‌ترین خاندان یهودی دربار آراگون که به قدرت و ثروت زیادی در جنگ‌های صلیبی رسید خاندان لوی بود که در آراگون به نام‌های لپولانی، این لاوی، کولون و کالگری شناخته می‌شدند.

۲. طریقت شهبازان **مید** در آغاز نام دسته‌ای از شوالیه‌های فرانسوی بود که پس از اشغال بیت المقدس به دست صلیبی‌ها در سال ۱۱۱۸ م در این شهر ایجاد شده و حفاظت از زقران مسیحی را بر عهده داشتند و نام خود را شهبازان **مید** و **مید** سلیمان گذارده بودند. به تدریج با انسجام و شهرت فراوانی به صورت مزدوران مسلحی برای پادشاهان صلیبی درآمدند و در ۱۱۹۱ که جنگ‌های صلیبی پایان یافته به اروپا بازگشتند ولی ساژان خود را حفظ کرده و رییس انتخاب کردند به نام استاد اعظم و به صورت پنهانی تداوم و حیات داده ولی در سال ۱۲۰۲ **فلیپ چهارم** آلمان را متحمل نفیست فرانسه تشخیص داد و افراد آن را به جرم‌های فساد جنایت و آشوب، دستگیر کرد و در سال ۱۲۱۲ باب آن‌ها را منحل اعلام کرد و **فلیپ** آخرین استاد اعظم ظلمی آن‌ها ترک نموده را در ملا عام اعدام کرد ولی آن‌ها در مناطقی چون **پرتغال** فرار کرده پنهان شده و در **لشب** فرانسوی و **کالیفرنیا** ایذهای مادی، متحرکه



و قدرت پرستة خود را تا به امروز دنبال کرده‌اند. امروزه طریقت شهسواران مهد از شاخه‌های مهم فراماسونری است و آب و خاصیت دارد و در همه طریقه‌های ماسونی نام زاک نموده آخرین استاد اعظم رسمی این فرقه بسیار گزنی است و نام فیلیپ چهارم قتل نموده بسیار متفرد است. به عقیده بسیاری از مورخان، جنبشی که در سال ۱۲۸۱م در انگلیس علیه کلیسای کاتولیک با نام شورش روستاییان ایجاد شد توسط عامل پنهان باقیمانده همین گروه بود و پنجاه سال بعد باز یک کشیش به نام جان هاس (John Huss) در جنوب آلمانی (بوهمه) شورش را با کمک هم کوشان، علیه کلیسای کاتولیک آغاز کرد. هدف ایشان دگرگونی فرهنگی مسیحی باستانی اروپا و جایگزینی آن با فرهنگ مسیحی - کلاسیک - سکولار بود که از اصول لایهک سر و پوزان باستان پیروی می‌کرد. این حرکات به رنسانس و اخراج دین از صحنه زندگی مردم اروپا و تسلط لومباریسم و زرساوری یهودی، بر اروپا و آمریکا انجامید.

۱- زک زرساوران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، همان، ج ۲، ص ۲۷ - ۲۶ و همان جلد، ص ۲۳ به بعد فصل مسیحی‌های سیاسی و فرقه‌های رازآمیز و همچنین رک: فستان حقیقی کابالا، هارویز پیمبر اقلیدست ترک تبار، در گردان بازار خرمند، مجله موجود، شماره ۱۲

۲- رک: فستان حقیقی کابالا، همان منبع و همچنین کتاب میانی فراماسونری/فراماسونری و یهود، همان.

۳- همان منبع، در سوره کلابیسم و عرفان‌های دوران پست مدرنیسم در اذنه همین مقاله مطالب مفصل‌تری خواهم آورد.

۴- شیخ در کلابیسم‌های تجلی روحانی ظهور می‌یابد که حاصل نور در فضای ماوراء زمینی است. همان‌طور که خود جسم زمینی حضرت

می‌پوشاندند و خود را عارفان رازدان الهی می‌نمایاندند. اینان از ابتدا متأثر از کابالیست‌های یهودی بودند و از ابتدا با سازمان پنهان و قدرت طلب فراماسونری تعامل گسترده‌ای داشتند و گز کهن اسکاتلند را که هنوز هم شاخه اصلی ماسونی به شمار می‌رود، در سیطره خود گرفتند.^۲

خاندان لوی پایه‌گذار مکتب رازآمیز کابالا (قبالا) هم بودند که این مکتب، عرفانی ناقص و متأثر از میترا بیسم (خورشید پرستی) و بت پرستی مصر باستان و خدایان روم و یونان باستان بود. البته در کابالیسم از مفاهیم عرفان اسلامی هم استفاده‌های ناقصی شده است.^۳ کابالا تلاوم زمینی همان پادشاهی داوودی در ملکوت بود، یعنی همان آینده جهانی شدن پادشاهی داوودی یهود که اکنون پوستهای عرفانی و رازآمیز برگرفته بود.^۴

امروزه هم شیطان پرستی بنا نمادهایی و تکرراتی برگرفته از میترا بیسم و هلنیسم و مصر باستان، سعی در ترویج بی‌دینی و بی‌قیدی و بت پرستی پس از مدرنیته دارد. باز هم فردی از خاندان یهودی لوی، بنام آنتوان لوی/ لایوی یا نوشتن انجیل شیطان و برپایی کلیسای شیطان^۵ از سال ۱۹۶۶م. سعی در تخریب دین مسیحیت و عرفان ناب اسلامی دارد و با ترویج این مکتب تصمیم دارد اروپا و آمریکا را هر چه بیشتر زیر سیطره الیگارش یهودی ببرد. در این مکتب مانند کابالا، سحر، جادو، راز ورزی، و تثبیت و ماده گرایی همچون سم به رگ‌های بشر وارد می‌شود.^۶

میانی کلامی شیطان پرستان

امروزه شاخه‌های چندی خود را شیطان پرست می‌نامند و شامل انواع شیطان پرستان فلسفی، لایوی و دینی، یا سنتی و معاصر می‌شوند و برخی شیطان را موجودی مثبت و برخی منفی می‌دانند؛ ولی همه در چند مسئله اشتراک دارند:

۱. تثبیت و شرک که از خدایگان مصر و یونان باستان گرفته‌اند و از نمادهای خدا - خورشید مانند: یک چشم، نماد خورشید و علامت ستون مخروطی اهلیمسک است.
۲. ثنویت و چندخدایگرایی که معتقد به نوعی استقلال برای شیطان در برابر خدا می‌شود و در برخی شاخه‌ها معتقد به چندخدای شیطانی هستند.

۳. جبرگرایی و تقدیرگرایی که قائلند شیطان از میان انسان، برگزیدگانی از پیش و بدون دخالت افراد دارد که یاران اصلی وی در زمین می‌شوند. در فیلم‌های مبلغ این مکتب مادی، فردی که شیطان در او حلول می‌کند، هیچ اراده‌ای از خود ندارد؛ مانند: جن گیر، طالع نحس و...

۴. قدرت زیاد شیطان^۱ یا فضیلت او و ترس از قدرت ابلیس که حتی می‌تواند جلوی خدا بایستد و یا بر او هم برتری جوید؟! به دلیل اندیشهٔ سست کتاب مقدس به ویژه عهد عتیق دربارهٔ خدا، ترس از شیطان و یارانش در کشورهای غربی زیاد است و اسطوره‌های خون آشمان و دراکولاها و موجودات شریر، در هالیوود رونق دارند.

۵. اومانیسیم و خودپرستی در همهٔ نحل‌های این مکتب جریان دارد. یک شیطان پرست، خود را خدای خود می‌داند و یک پند رایج شیطانی که در بین آن‌هاست می‌گوید:

هر خطای ارزشمندی بهتر است به جای یک بردهٔ پست و به خاک افتاده، یک شریک در قدرت خود داشته باشد.^۲

به دلیل همین تفکر است که سودمحوری و لذت‌طلبی مادی همان‌طور که پس از رنسانس در غرب رواج یافت، در بین شیطان پرستان به شکل افراطی غلبه دارد تا اندازه‌ای که برای لذت بردن خود حاضرند دوست و هم فرقه‌ای خود را هم بکشند یا مثله کنند و از خون او بیاشامند.

۶. خرافه‌گرایی و جادوگری را به رسمیت شناخته و با استفاده از حروف عبری و سمبل‌هایی مانند ستارهٔ پنج پر و صلیب معکوس و هلال برعکس، آیین‌ها و شریعتی ویژهٔ خود دارند.

۷. اینان قائل به جسم‌انگاری خدای شیطانی یا خدای رحمانی - در زیرشاخه‌هایی که آن را به رسمیت می‌شناسند - هستند و معتقدند شیطان به راحتی می‌تواند در جسم افراد گوناگون حلول کند و یا خود را به شکل‌های متفاوتی درآورد و با دوستان و دشمنان خود تعامل عینی داشته باشد.

چهره‌ها و اسامی گوناگون شیطان در سینما

شیطان که هم اسم عام و هم اسم خاص می‌باشد، بین اهل کتاب به معنای دشمن می‌باشد و ترجمهٔ لفظ یونانی دیابولوس (Diabolos) می‌باشد که به معنای سخن چین است و از لفظ یونانی (Diabolo) به معنی تهمت زننده و پنهان کننده گرفته شده است.^۳ در زبان عربی

شود(ان) پس از موسی نبی حاصل نور در دنیای زمینی بود

و (satanic bible) کتاب مقدس شیطانی است و (satan church) کلیسای شیطان است که اکنون لوی به عنوان پیغمبر شیطانی برای آنجمن هر چه پیشتر این مکتب منحرف مادی آن را در آمریکا پایه گذاری کرد.

۷. مورخ یهودی کتاب تودیور دیناچ می‌گوید: کتابلا سس است که به رگهای یهودیت وارد می‌شود و آن را کتابلا در بر می‌گیرد.

رک: داستان حقیقی کتابلا، همان منبع، به نقل societies and subreessive movements.p299.mestali.webste r secret

۸. در کتاب مقدس مسیحیان هم انجیل تحت نام اسوزهای مشترکان مصر، یونان، روم و یهودیان منحرفه شیطان دارای چنین قدرتی است که می‌تواند بپوشد یعنی از مسیحیت هم شاهد نوعی و تثبیت هستیم و در کنار خدا شیطان دارای قدرت ظهور می‌شود. در قلموس کتاب می‌خوانیم:

وجود شیطان فی الحقیقه موجود و از نبی نوع بشر مشخص تر است و به جوی از ارواح پاینده راست و سلطنت می‌باشد. او فرشته‌ای است و مانند دیگر فرشتگان از دیگر ممکنات ممتاز می‌باشد. جلال احدی از این که آن استیاز عقلی باشد مانند ادراک تا کرم تمیز و یا حس باشد مانند میل شهوت و با ارادی باشد مانند اختیار شیطان خداوند و رحمت این جهان و دشمن خدا و کسان است و همواره در پس آن است که مقاصد و مشیقات حضرت قادر ذوالجلال را به عکس آموخته و توجه آن را کند سازد.

رک: قلموس کتاب مقدس، برگردان و تالیف مستر هاسکر، نشنم اسپاندر، چاپ اول، بیروت ۱۹۷۸م / ۱۳۵۶ ه. ش. و حساب اول اسپاندر: ۱۳۷۷، تهران، ص ۵۲۵ در فصول لوقا باب چهارم هم در داستان پیروزی عیسی بر وسوسه‌های مسیح قدرت شیطان در بردن عیسی به اورشالم



از لفظ شطان گرفته شده است و به معنای خبیث و متمرّد و بازگشته از راه حق می‌باشد.^{۱۱} در کتاب مقدس، آن را *ابلیسون* و *ابلیسون* یعنی هلاک کننده و فرشته جهنم و *بلمیزبول* (*Beelzebub*) به معنای خدای فرار و *بلمیزوب* (*Beelzebub*) به معنای مدفوع، *بلمیال*، رئیس این جهان، رئیس دیوها، خدای این جهان، ابلیس، قاتل، پدردروغ گویان، اهریمن، اژدها (*Deraco/Dragon*)، مار قدیم، دشمن و شیر غران هم گویند.^{۱۲} البته اژدها در فرهنگ چینی نماد خوبی و نیکی است. در انگلیسی (*Evile*) به معنای چیز بسیار بد و گاهی بر شیطان یا یاران او اطلاق می‌شود و (*Devil*) به معنای شیطان به کار می‌رود که در زبان یونانی به معنای متهم کننده و شاکی است.

شیطان را *الله سیاه* هم گفته‌اند و اهریمن که در آیین زرتشت مظهر شر و ناخوشی و پلیدی است و (*monster*) به معنای هیولای بزرگ هم، می‌توانند بر شیطان و یارانش اطلاق شود. متون یهودی گمانه‌زنی‌هایی درباره فرشته شر به نام *بیلیار* (*Biliar*) دارند که به عنوان آخرین دشمن خدا ایفای نقش می‌کند.^{۱۳} همچنین کلمه (*Demon*) که در افسانه‌های یونان به معنای خدای باقدرت و روح شریر جنی و شیطان به کار می‌رفته^{۱۴} در برخی متون و فیلم‌های غربی به جای شیطان و یارانش به کار می‌رود. برای نمونه در فیلم *طالع نحس*، نام کودکی که شیطان در قالب او حلول می‌کند و رئیس گروه شیطان پرستان می‌شود و عددشیطانی ۶۶۶^{۱۵} بر سر او حک شده است، دیمن می‌باشد. در سنت مسیحی - یهودی به موجودات معنوی و روحانی که در مخالفت و شورش علیه خدا و آسیب رساندن به انسان‌ها مانند شیطان هستند، (*Demons*) گفته می‌شود.

همچنین نماد *آبلیسک* (*obilisk*) که همان سرستون‌های سنگی مخروطی شکل خورشیدپرستان^{۱۶} می‌باشد، از لفظ ابلیس گرفته شده است که امروزه هم در کشورهای غربی این نماد زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم در فیلم‌های شیطان پرستان؛ مانند *طالع نحس* (۲) - انتهای فیلم در قبرستان - استفاده می‌شود.

و قرار دادن حضرت در بالاترین نقطه خانه خدا (هیکل سلیمان) هویت است و در همان جا شیطان ادعا می‌کند که:

اگر فقط زانو بزنی و مرا سجده کنی، همه این مملکتها را با شکوه و جلالشان به تو می‌بخشیم؛ چون همه اینها از آن من است و به هر که بخواهم واگذار می‌کنم.

۹. دانشنامه اینترنتی نیکی برای بخش فارسی، ذیل عنوان شیطان پرستی.

۱۰. فلوس کتاب مقدس، همان، ذیل کلمه شیطان.

۱۱. معجم الوسيط، همان، ذیل سادة شطن و فرهنگ لاری سعید.

۱۲. نشانی این نام‌های شیطان را در قاموس کتاب مقدس، ذیل عنوان شیطان می‌توانید بیابید. همچنین در منبع زیر، ذیل کلمه

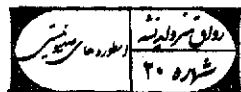
SATAN کسی نوشته مطالبی به‌یاد: of riligion 13,p82 Encyclopedia.

۱۳. معرفی اجملی مجال در ایمان نوحی، علی‌الحسن ابراهیمی، واحد کاروری تحقیق الهیات ایمان مؤسسه امام خمینی (ره)، قم به نقل از دهره معارف دین، چ ۱، ص ۲۲۲.

۱۴. فرهنگ لنت *babylon*.

۱۵. در کتاب مکاشفات یوحنا باب سیزدهم، از عهد جدید عدد ۶۶۶ به عنوان عدد جادوی یا وحش که مردم را به تبت از شیطان وامی‌داشت آمده است.

۱۶. اسپرود ذیل کلمه *obilisk* می‌نویسد: pointed stone pillar



وحش

علاوه بر این‌ها، در کتاب مقدس به شیطان، وحش یا جانور عجیبی که از چاه بی انتها بیرون خواهد آمد اطلاق شده است^{۱۷}؛ البته وحش در کتاب مقدس به دو جانور عجیب هم اطلاق شده که متابعین اژدها (شیطان) هستند و مردم را به تبعیت از دستورات شیطانی می‌خوانند. یکی از آنان هفت سر دارد و ده شاخ و روی هر شاخ او یک تاج می‌باشد که روی هر سر او نام کفرآمیزی نوشته شده است. این جانور شبیه پلنگ است با پاهایی مثل خرس و دهانی چون شیر که اژدها همه قدرتش را به او می‌دهد و همه مردم دنیا به جز دینداران [مسیحی] او را پرستش می‌کنند. این جانور، از دریا بالا می‌آید.

جانور دوم که از زمین بالا می‌آید، دو شاخ مثل قوچ دارد و صدای وحشتناکی چون اژدها دارد و از آسمان آتش به زمین می‌آورد و مردم دنیا را وادار به پیروی از جانور اول و درست کردن مجسمه‌ای از او و پرستش وی می‌کند. همچنین این موجود همه را مجبور می‌کند که علامت ویژه جانور را بر روی دست راست یا پیشانی خود بگذارند و بدون داشتن عدد ۶۶۶ نمی‌توان شغلی به دست آورد یا چیزی خرید.^{۱۸}

در تفسیر این دو جانور و منظور محتمل از آن‌ها، در مکاشفات یوحنا بین مفسرین مسیحی، اختلاف است^{۱۹} ولی در عالم هنر و سینما این تصویرسازی‌ها دست مایه آثار گوناگونی درباره شیطان قرار گرفته است؛ چرا که جذابیت بصری و هیجانی زیادی دارد؛ برای نمونه در فیلم *لنگا* کد^{۲۰} شیطان به صورت اژدهای بالدار با دو شاخ قوچ مانند در انتهای فیلم، از بدن مسخرشده‌ای بیرون می‌آید و خود را با چهره واقعی می‌نمایاند و یا در فیلم *پسر جهنمی*^{۲۱}، موجود شیطانی ستاره فیلم، با رنگ قرمز خود، یادآور جهنم است و در جایی از فیلم دو شاخ قوچ مانندش رشد می‌کنند که او با شکستن آن‌ها، شرارت را از وجود خود دور می‌کند.

دجال

موجود دیگری که در بسیاری آثار هالیوود وجود دارد، دجال می‌باشد. در روایات مسیحی آن را

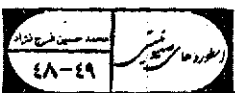
۱۷. عهد جدید مکاشفات یوحنا، باب ۱۱، آیه ۷.

۱۸. عهد جدید مکاشفات یوحنا، باب ۱۲.

۱۹. قلموس کتاب مقدس، همان، فصل کلمه وحش، ص ۹۰۵.

۲۰. کد لنگا (Omega Code)، محصول شرکت T.B.N. Films که به‌روست مسیحی است.

21. Hell Boy



ضد مسیح (Antichrist) یا مسیح دروغین هم گفته‌اند، که دروغگوست و اتحاد ناسوت و لاهوتی عیسی در یک بدن را نفی می‌کند و دربارهٔ جسمانیت خدا در مسیح خدشه دارد.^{۳۲} در روایات اسلامی دجال، صیغهٔ مبالغه از ریشهٔ دَجَل می‌باشد که به معنای بسیار فریبکار و کذاب می‌باشد و پیش از ظهور موعود عصر، می‌آید و خلق را فریب داده و مردم در اطرافش جمع می‌شوند. در کتاب‌های عهد عتیق که ویژهٔ یهودیان است، کلمهٔ دجال نیامده ولی برخی مفسرین کتاب مقدس، از برخی مفاد سفر دانیال در عهد عتیق، دجال را استفاده کرده‌اند. در یک جا دانیال نبی (علیه السلام) در رویایی، چهار جانور را می‌بیند که چهارمی بسیار هولناک است و قربانیان خود را با دندان‌های بزرگ و آهنینش پاره پاره می‌کند و بقیه را زیر پا له می‌کند. این هیولا، ده شاخ دارد که وقتی دانیال به شاخ‌هایش خیره می‌شود، یک شاخ کوچکتر از میان آن‌ها ظاهر شده و سه شاخ را از میان می‌برد. این شاخ جدید چشمانی چون چشم انسان داشته و از دهانش سخنان تکبرآمیز بیرون می‌آید و با وجود ازلی مخالفت می‌کند؛ ولی نهایتاً جانور چهارم کشته شده و بدنش در آتش سوزانیده می‌شود. منظور از چهار جانور، چهار سلسلهٔ پادشاهی هستند که ده شاخ جانور چهارم، نماد ده حاکم آن پادشاهی هستند. در آخر پادشاهی دیگر به قدرت می‌رسد که با سه تایی پیشین متفاوت است و بر ضد خدا سخن می‌گوید. این پادشاه دیگر را برخی مفسرین دجال گفته‌اند که به گفتهٔ سفر دانیال، از بین می‌رود و سپس قوم خدا (یهود) حاکم می‌شوند.^{۳۳} در جای دیگری دانیال در رویا می‌بیند که در کنار رودخانهٔ اولای در شهر شوش در سلطنت عیلام، قوچی با دو شاخ بلند به همه طرف شاخ می‌زد و هیچ جاننداری نمی‌توانست در برابرش بایستد و سپس یک بُز نر از غرب ظاهر شده و قوچ را از پای در آورد. این بز، یک شاخ بلند در وسط چشمانش داشت و بزرگ شد. ناگاه آن شاخ شکست و چهار شاخ در چهار جهت درآمد، از یکی از این شاخ‌ها شاخ کوچکی درآمد و به طرف سرزمین اسرائیل رشد کرد و قوی شد تا اندازه‌ای که جلوی قوای آسمانی برخاست و برخی ستارگان را به زمین ریخت و پایمال کرد و عدالت و حقیقت را لگدکوب کرد تا پس از هزار و صد و پنجاه روز، دوباره خانهٔ خدا احیا شد. به گفتهٔ تورات، آن قوچ دو شاخ، نماد پادشاهی ماد و پارس است که توسط بُز که نماد پادشاهی یونان

۳۲. تفسیر کتاب مقدس، همان، ذیل کلمه

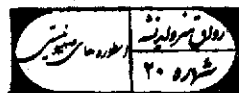
دجال، ص ۳۶۵.

۳۳. ترجمه تفسیری کتاب مقدس به فارسی، طبع

جسی چاپ لیونسن بین المللی کتاب مقدس

تنگستان، ۱۹۹۵، لندن، سفر دانیال، باب هفتم،

پارسی.



است به رهبری اسکندر نابود می‌شود و سپس امپراطوری یونان چهار تکه می‌شود و وقتی ظلم آن‌ها از حد بگذرد، پادشاه دیگری به قدرت می‌رسد که بسیار ظالم و مکار است تا حدی که بر ضد قوم خدا (یهود) و سرور سروران می‌ایستد؛ ولی سرانجام نابود خواهد شد ولی نه با قدرت بشری. به گفته مفسران آن پادشاه دیگر، دجال می‌باشد.^{۲۳}

این مکاشفات، دستمایه آثار زیبایی در هالیوود شده است که مخاطبان بسیاری را هم به خود جذب کرده است. در انتهای فیلم پسر جهنمی، شیطانی را که بی شباهت به شاخ‌های بسیار بزرگ و پیچیده بُز نمی‌باشد، به تصویر می‌کشند که توسط پسر موقرمز جهنمی نابود می‌شود؛ البته خود این پسر جهنمی - که قرار بود کلید قدرت شیطان در دنیا باشد - به واسطه عشق، راه ورود شیطان به دنیا را سد کرد. گرچه در این فیلم، موجودات شیطانی و یارانشان آلمانی‌های نازیست هستند که موجود عجیب و شریری را به نام سموتل از دل مجسمه‌ای از ایران باستان، بیرون می‌کشند تا راه را برای تسلط شیطان اصلی هموار کنند. در فیلم طالع نحس هم، همین فرازهای کتاب دانیال خوانده می‌شود و با شیطان مبارزه می‌شود، البته در این فیلم، برای یافتن ابزاری برای مبارزه با شیطان باید به اورشلیم (بیت المقدس) رفت. قسمتی از هزینه قسمت دوم و سوم این فیلم را دولت غاصب صهیونیستی متقبل شد.^{۲۴}

در باب یازدهم کتاب دانیال هم به عقیده برخی مفسرین کتاب مقدس، حرف از دجال شده است که پادشاه سوریه است و از نژاد یهود می‌باشد.^{۲۵} گاهی در سینمای آمریکا حرف از پسر شیطان می‌شود که بعضاً منظور همان دجال می‌باشد.

برای آفرینش دجال، شیطان به عنوان نوعی بختک نمایش داده می‌شود^{۲۶} که با زنان انسانی ارتباط جنسی دارد و دجال در نتیجه این ارتباط پدید می‌آید. جی بی راسل مدعی است نظریه ارتباط جنسی دیوها و یا شیطان با زنان انسانی، مورد تأکید کلیسا بوده است، چون بر اساس سنت قدیم آن‌ها می‌توانند فرشتگان رانده شده‌ای باشند که به دختران انسان نظر سوء دارند. در سراسر قرون وسطی، این پندار که زنان ساحره طی مراسمی با شیاطین ارتباط دارند در اروپای خرافی رایج بوده است.^{۲۸}

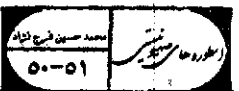
۲۳. همان منبع، باب هشتم، پاورقی.

۲۴. ر.ک. مقاله طالع نحس، فیلمی که شیطان را به جهان سوانست راه داد، از برنامه نمایش مطبوعات تهیه شده توسط هیئت انسانی کتابخانه‌های کشور.

۲۵. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، همان، سفر دانیال، باب ۱۱، فقرة ۳۷.

۲۶. بختک، دیو مذکری است که در اسطوره‌های اروپایی با زنان هم آمیزش می‌شود. ر.ک. مقاله همان شیطان خوجمان، تمثال‌های آبرون وسطایی از شیطان ناکوان در سینه‌های نوجوان آمریکایی. مجله عصر جی، واپس، برگردان ناصر رایس، مجله عصر آینده، شماره اول، بهار ۵۸، ص ۱۲۶.

۲۸. مقاله همان: شیطان خودمان... به نقل از Jeffrey burton russell در کتاب witchcraft in the middle ages مقالات: uaivecity press@thacc.ny.cornell



اشعاری نیز در قرون وسطی با مضمون حکمرانی پسر شیطان بر بشر سروده می‌شد. به نوشته جی. بی. راسل، در قرون وسطی گمان بر این بود که دجال توانایی ظهور در اشکال مختلف از جمله تجسمی از خود شیطان یا پسر شیطان یا فرمانروای قوای شیطان را دارد.^{۲۹} او عبارتی از *والفستق، اسقف کلیسای ورچستر انگلستان* می‌آورد که دجال همان پسر شیطان معرفی شده است.^{۳۰}



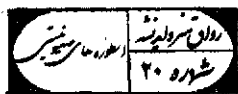
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

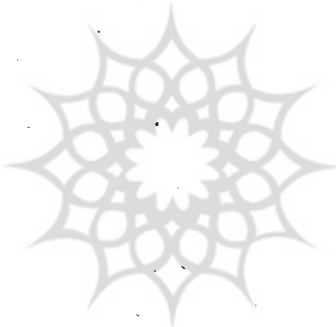
۲۹. مقاله همان شیطان خودمان به نقل از جی.

بی. راسل، در کتاب

۳۰. مقاله همان شیطان خودمان به نقل از جی.

بی. راسل، در کتاب

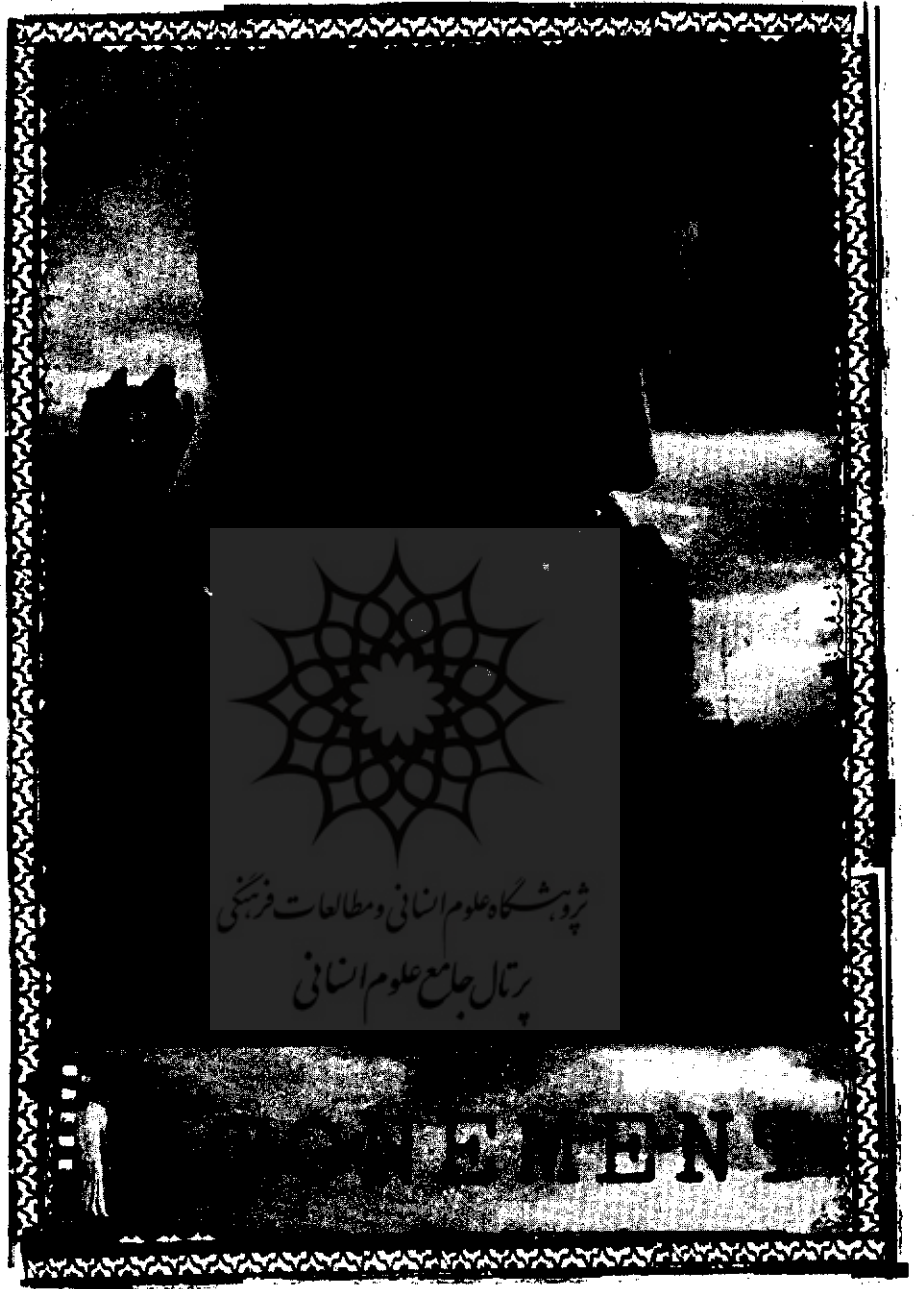




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی





ژورنال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

MAGAZINE